

تاریخ: ۲۰۰۱/۰۹/۲۱

دکتر محسن کدیور در اردوی شاخه‌ی جوانان جبهه‌ی مشارکت: بزرگترین وظیفه‌ی عالمان دین داور در منازعات است نه بازیگری

خبرگزاری دانشجویان ایران - تهران

سرویس سیاسی

دکتر محسن کدیور گفت: اگر عالمان دینی در مواجهه با مسایل عصر جدید و مدرنیته با چالش‌هایی روبرو می‌شوند و توانایی پاسخگویی به شبهات را ندارند بدین دلیل است که فرزندان زمان خود نیستند.

به گزارش خبرنگار ایسنا، وی که در روز پایانی سومین اردوی سالیانه‌ی شاخه جوانان جبهه مشارکت ایران اسلامی پیرامون «حوزه و دنیای جدید» سخن می‌گفت افزود: حداقل سه سوال باید پیرامون این موضوع طرح کرد اول اینکه حوزه چیست؟ دوم اینکه دنیای جدید کدام است و آخر اینکه رابطه‌ی بین این دو چگونه است؟

کدیور افزود: اگر گفتیم حوزه، دانشگاه علوم اسلامی است در آن صورت انتظارات ما مطابق یک نهاد آموزشی خواهد بود اما اگر گفتیم حوزه، مدیریت مسایل دینی را به عهده دارد در آن صورت اگر مشکلاتی را در امور دینی داشتیم متولی آن یعنی همان نهاد حوزه مسوول آن خواهد بود.

وی با طرح این پرسش که از چه کسی باید پرسید حوزه متولی چه نوع اموری است خاطر نشان کرد: اگر به تاریخ مراجعه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که حوزه در وهله‌ی اول جنبه‌ی آموزشی را همواره برای خود مبذول داشته و در این زمینه نیز بسیار موفق عمل کرده است. می‌توان گفت تا قبل از آشنایی حوزیان با ضوابط دنیای جدید، حوزه بطور کلی در زمینه‌ی آموزش قدم‌های مثبتی را برداشته است و حفظ و استمرار علوم دینی نتیجه‌ی زحماتی است که عاملان علوم دینی برداشته‌اند و به لحاظ پژوهشی هم دقت‌های فراوانی در زمینه علوم دینی در میان عالمان دینی صورت گرفته تا زمان مشروطه و مطرح شدن بحث تجدد. حوزه در هر دو کارکرد آموزشی و پژوهشی و تا حدودی نیز مدیریت علوم دینی موفق بوده است.

کدیور در ادامه با تعریف دنیای جدید گفت: از قرن ۱۵ و ۱۶ پیشرفت‌ها و تحولاتی در علوم طبیعی و اجتماعی در اروپا صورت می‌گیرد و نگرش انسان اروپایی نسبت به بسیاری از مسایل از جمله دین عوض می‌شود، اگر تا آن زمان پاپ‌ها بانی کل امور دینی بودند اما از این به بعد قلمرویی برای دین مشخص می‌گردد و عقل و خرد انسان تا حد زیادی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد، به عبارتی عقل نقاد تمام چیزها را در بر می‌گیرد. لذا دین زدایی از سپهر عمومی نیز از جمله این ویژگی‌هاست.

وی تصریح کرد: بسیاری از روحانیون ما شناخت درستی از مدرنیته ندارند و فکر می‌کنند مدرنیته کمر به حذف دین بسته است، کاملاً اشتباه است اگر بپنداریم در صورتی که اسلام ما در زمان آغاز مدرنیته در اروپا قرار داشت مورد سوالات جدید قرار

نمی‌گرفت زیرا برخی فکر می‌کنند این سوالات در عالم مدرن تنها در برابر دین مطرح گردیده است. اگر ما امروز در مواجهه با مدرنیته روبرو با مشکلاتی هستیم، پس زمان خود را بخوبی نشناخته‌ایم و اگر عالمانی اعم از شیعه و سنی در مواجهه با مشکلات عصر جدید توانایی پاسخ ندارند نتیجه این است که آنها فرزند زمان خود نیستند.

این استاد حوزه یاد آور شد: کلام سنتی و کلامی که امروز فراروی ماست دو علم کاملاً متفاوت هستند. دیروز صرف اینکه گفته می‌شد قال رسول الله، دینداران به اعتبار گوینده سخنی نمی‌گفتند اما امروز عقل نقاد حتی در سخنی که از جانب خدا و یا رسول او مطرح می‌شود شك روا می‌دارد. لذا اگر عقل علوم دینی گذشته بر علوم نقلی بود امروز در اصل اعتبار علوم نقلی بحث می‌شود و اگر نتوان به این پرسش‌ها پاسخ داد دین متهم به عدم توانایی می‌شود.

وی افزود: مدرنیته یا تجدد لزوماً دین ستیز نیست بلکه دین را مورد نقادی قرار داده است و ابعادی از آنرا برجسته کرده و ابعادی از آنرا در محاق قرار می‌دهد.

کدیور پیرامون جایگاه حوزه در دنیای جدید گفت: به‌نظر می‌رسد حوزویان ما به نقش خود در دنیای جدید وقوف پیدا نکرده‌اند و اگر چه کارنامه‌ی درخشانی در آموزش علوم دینی تا شروع مدرنیته از خود بجا گذاشته‌اند اما نتوانسته‌اند با آغاز تجدد این نقش را حفظ کند. در ایران علی‌رغم نقش درخشان حوزه تا زمان مشروطه پس از آن، حوزه نتوانسته این نقش را حفظ کند و عملاً با چالش‌های زیادی روبرو شده است.

وی افزود: اگر حوزویان بخواهند در دنیای جدید نقش موثری داشته باشند انتظار می‌رود که در درجه‌ی اول تمام ابعاد دین را مورد بررسی مجدد قرار دهند و در دین شناسی و دین پژوهی توجه جدی مبذول دارند و بپذیرند که دین را از ابعاد دیگری هم می‌توان مورد بررسی قرار داد. اگر قرار است حوزه منحصر در فقیه پروری باشد باز آموزش‌های فعلی کفاف نمی‌دهد و اگر هم بخواهد تمام ابعاد دین را مورد بررسی قرار دهد باید تغییرات اساسی در نحوه‌ی آموزش حوزه‌ها صورت گیرد. اگر ما صرفاً به علوم فقهی و نقلی پرداخته‌ایم در نهایت هم محصول ما فقیه متخصص در زمینه‌ی فقه آن هم با محدودیتهایی خواهد بود. در حالیکه فقهی که بعنوان مثال در حقوق تجارت می‌خواهد سخن بگوید باید با حقوق تجارت امروز آشنایی داشته باشد ما می‌توانیم فقه‌های متعددی داشته باشیم که تقسیم رشته کرده باشند و الا اینکه يك نفر در زمان ما در همه‌ی زمینه‌ها متخصص باشند انتظار بزرگی است. پس یکی از انتظارات از حوزه در دنیای جدید تخصصی کردن حوزه در درجه‌ی اول و تخصصی کردن فقه در درجه‌ی دوم است.

کدیور تصریح کرد: یکی دیگر از انتظارات از حوزه در دنیای جدید تعیین حدود علوم دینی است زیرا اصولاً از فقه انتظار

پاسخگویی به مسایل اقتصادی کار خطایی است پس محدود کردن و مشخص نمودن محدود فقه نیز یکی دیگر از این انتظارات است.

وی یادآور شد: یکی از وظایف اصلی حوزه‌های دینی در دنیای امروز، توجیه عقلانی دین و دفاع از دین است بدین معنا که حوزه، مردم و بخصوص جوانان را قانع کند. مهمترین وظیفه‌های حوزه‌ها علمیه دفاع عقلانی و به روز از دین است. با ابزارهای دیروز پاسخگویی به مسایل امروز، اشتباه است، مشکل اساسی عالمان حوزه‌ی ما این است که زبان مخاطبان خود را نمی‌دانند لذا اکثر پاسخ‌های آنها، مطابق با سوالات نیست و تولیدات حوزه‌های ما در عرصه‌ی کلامی امروز به هیچ وجه پاسخگویی مشکلات کلامی مانیست. ما چاره‌ای جز این نداریم که عالمانی پاسخگویی شبهات امروز باشند که با علوم انسانی و طبیعی امروز آشنایی داشته باشند. در حوزه‌هایی که اختصاص به عالمان دین دارد کمتر کار اصولی شده است و بیشتر آنها به بهانه‌ی این که ما بانی اجرای عملی احکام هستیم بیشتر توجه خود را معطوف عمل نموده‌اند و از کار جدی در حوزه‌ی نظری دست کشیده‌اند.

کدیور ادامه داد: بسیاری از عالمان علوم دینی گمان می‌کنند که دین جز با بدست رفتن قدرت قابل پیاده شدن نیست لذا اینجاست که دینداری با قدرت گره می‌خورد و حاصل این تلقی این است که بیشترین کوشش صرف تحصیل قدرت سیاسی می‌شود و این خود آغاز مشکلات است اما اگر گونه‌ی دیگری بیندیشیم و بگویم رسالت اصلی عاملان دین اجرای احکام دینی نیست بلکه گسترش فرهنگ دینی و بدست گرفتن نبض دینی است در اینصورت مردم خود تبدیل به عاملان دین می‌شوند.

وی تصریح کرد: زمانی بود که ما هیچ قدرتی نداشتیم ولی اقتدار عمل در دست ما بود چون عالمانی در جامعه‌ی بودند که اقتدار داشتند. اقتدار لازمه‌ی فرهنگی دینی است اقتدار، قدرت می‌آورد ولی قدرت، اقتدار نمی‌آورد میرزای شیرازی در زمان ناصرالدین شاه قدرتی نداشت ولی اقتدار می‌داشت که سخن او تا اندرونی شاه نفوذ می‌کرد.

این محقق خاطر نشان کرد: حوزه‌ها فرهنگ ساز و ارزش ساز هستند در حالی که ما این کارکرد را رها کرده و به کسب قدرت پرداخته‌ایم، نتیجه هم این می‌شود که حوزه‌های ما امروز گروه‌های مرجع در جامعه نیستند. امروز فلان موسیقی‌دان یا هنرپیشه بیشتر از عالمان دینی در جامعه تاثیر گذارند و این يك فاجعه‌ی فرهنگی است. پس حوزه‌های ما باید اقتدار فرهنگی کسب کنند و اقتدار فرهنگی هم با بخشنامه بدست نمی‌آید. امروز شاهد هستیم که عرف بسیار از جوانان و حتی مردم دیگر مراجعه به عالمان دین نیست.

کدیور اضافه کرد: یکی دیگر از رسالت‌های حوزه‌ها در این روزگار پرهیز از فرمالیست و صورت‌گرایی است. ما دین را در یکسری قالبها خلاصه کرده‌ایم در حالی که اهداف دین مهمترین مسایل است. از حضرت امام (ره) این نکات را باید آموخت که

احکام دین مقصود بالعرض هستند و اهداف دین که مهمترین آنها عدالت است مقصود اصلي هستند اينکه در حوزه‌ي دین کرامت، آزادي و عدالت اصل هستند و احکام در راستاي اين مقوله‌ها معنا پيدا مي‌کنند لذا از حوزه‌ها انتظار مي‌رود که بيش از همه روي مساله عدالت تاکيد کنند و در خصوص آن دست به پژوهش‌هاي عميق و به روز بزنند. اگر قرار باشد دین را منحصر به يکسري قالب‌ها بکنيم دین در دنياي امروز با مشکلاتي روبرو مي‌شود و حفظ بسياري از قالبها به مقابله با تمدن تعبير مي‌شود. پس آشنائي با عرف علمي زمانه وظيفه‌ي حوزه‌هاست .

وي تصريح کرد: تاکيد بر بخش عبادي دین وظيفه‌ي ديگر حوزه‌ها در دنياي امروز است و حوزه‌ها بايد براي ترويج اين بخش دین، برنامه ريزي داشته باشند، عالمان دین بايد بر اين بخش عبادي تاکيد کنند. چهره‌ي عالمان دین در جامعه بايد چهره‌اي رباني باشد به‌گونه‌اي که مردم با ديدن آنها به ياد خدا بيفتند، امروز حوزه‌ها بايد در اين زمينه سرمايه‌گذاري کنند و اين جز با پرهيز از دنيا، حاصل نمي‌شود، بزرگترين وظيفه‌ي عالمان دین داوري در منازعات است و نه بازيگري. نبايد عمر را صرف يك بازيگري زودگذر کرد و فايده‌هاي آن داوري عالمانه را از دست داد.

کديور افزود: يکي ديگر از نکاتي که حوزه‌ها در اين دنياي جديد بايد توجه کنند توجه به بعد انفسي دین است و نه بعد آفاقي آن. کارکرد انفسي به معنای کارکرد دروني است. دیندار کسی است که نه راي تظاهر بلکه براي خدا کاري را انجام دهد، حوزه‌ها بايد نفس انسانها را تربيت کنند تا در خفا هم به اصول دین عمل کنند. اما در مقابل اگر کارکرد آفاقي دین يا همان نقش آن در اجتماع و سياست را بيشتر مد نظر قرار داده و از کارکرد انفسي آن غافل شدیم در اينصورت دچار خسران دنيايي و آخري مي‌شویم. لذا مهمترين کارکرد دین کارکرد انفسي است و مهمترين وظيفه‌ي عالمان دین هم تلاوت و تزکيه و تعليم است. مردمي که تربيت ديني يافتند خود نيز اقامه‌ي دین مي‌کنند. ما قبل از انقلاب کارکرد آفاقي دین را فراموش کرده بودیم اما پس از انقلاب کارکرد انفسي دین را به دست فراموشي سپرده‌ايم .

وي در پايان ياد آور شد: در مجموع بهنظر مي‌رسد مهمترين کارکرد حوزويان ما، تحول دروني انسانها، ارتباط با قلوب آدميان و بدست گرفتن نبض فرهنگ جامعه باشد و حوزويان ما بايد تجديد نظر جدي در نوع ارايه‌ي دین به جوانان ما نمايند در غير اينصورت آینده از آن آنان نخواهد بود.